

## دختری که در زندان زاده شد

**محمد بلوری - قسمت دوم /** در شماره قبل خواندید: صبح یک روز کاری وقتی به دفتر روزنامه رفتم با خبر شدم شب گذشته یک زن زندانی که متهم به قتل شوهرش بود در زندان زایمان کرده و دختری به دنیا آورده است، پس از هماهنگی با مراجع مربوطه برای گفت‌وگو با وی راهی زندان شدم و... گفتم: مهتاب خانم من خبرنگار روزنامه هستم، اگر کمکی از دستم بر بیاید برایت انجام می‌دم. در صورت بیگناهی سعی خواهم کرد کمکت کنم. راستی وکیل گرفته‌ای تا از تو دفاع کند؟

زن جواب داد: نه من که جز خدا کسی را ندارم. پولی هم در دستم نیست که وکیل بگیرم. شاید دادگاه برایم یک وکیل تسخیری تعیین کند. حتماً باید در دادگاه روشن شود که من بیگناهم و قربانی دسیسه‌های مادر شوهرم ری‌حتم شده‌ام.

روز دادگاه وقتی به جلسه رسیدم مهتاب در جایگاه دفاع ایستاده بود. رئیس دادگاه رو به او کرد و گفت: خانم مهتاب، کیفرخواست صادر شده از سوی دادستان تهران را شنیده و متهم هستید همسرتان را در جریان اختلافات خانوادگی به قتل رسانده‌اید و دادستان محترم طبق ماده ۱۷۰ قانون مجازات قتل برای شما در خواست مجازات قصاص کرده است. آیا اتهام وارده را قبول دارید؟

مهتاب با صدایی لرزان و شمرده جواب داد: نه آقای رئیس دادگاه، من مرتکب قتل شوهرم نشده‌ام. او تنها پناه من در زندگی بود. من دوستش داشتم و عاشقش بودم.

من از آن مرحوم یادگار عزیزی دارم یک دختر که در زندان به دنیا آمده. رئیس دادگاه گفت: اما پزشکان قانونی پس از کالبدشکافی جسد مقتول مشخص کردند که همسر مرحوم شما بر اثر مسمومیت با یک نوع سم نباتی مرده است. مهتاب با بغض در گلویش، به گریه افتاد و اشک‌ریزان جواب داد: آقای رئیس من دلم نمیداد یک گنجشک را گرفتار کنم چطور می‌تونم شوهر عزیزم را که تنها پناه من در زندگی بوده با سم بکشم. عرض کردم آقای قاضی من تازه عروس بودم و با عشق و علاقه قدم به‌خانه‌اش گذاشتم و...

رئیس دادگاه پرسید: شوهرتان بر اثر مسمومیت در خواب شبانه جان سپرده. لیوان آبی که بالای سرش قرار داشت آغشته به سم نباتی بوده. مأموران کشف جرم سم نباتی را هم توی یکی از کشوهای قفسه آشپزخانه پیدا کرده‌اند. در این مورد چه می‌گویید؟

باغبان‌تان دو روز پیش از قتل شوهرتان درخت‌ها و گل‌های باغچه را سمپاشی کرده بود و قوطی سم هم توی باغچه مانده بود چطور آن را در آشپزخانه منزل تان پیدا کرده‌اند.

نمی‌دانم آقای قاضی چه کسی این قوطی سم را آورده در آشپزخانه گذاشته به گفته وکیل‌م بر فرض اگر قصد کشتن همسرم را داشتم قوطی سم را در آشپزخانه‌ام نگه نمی‌داشتم. می‌پردم در همان باغچه می‌نداختم. مادر شوهرتان در بازجویی گفته همیشه با شوهرتان مشاجره و دعوا داشته‌ای.

دروغ است جناب رئیس، مادر شوهرم به‌خاطر کینه‌ای که نسبت به من داشته این اتهام را به من می‌زند. زندگی مشترک من و همسرم عاشقانه بود. این زن به‌خاطر کینه‌ای که نسبت به من دارد، این حرف‌ها را زده. مادر شوهرم به‌خاطر کینه ورزی حتی حاضر نشده لاقل برای دیدن نوه‌ای که از من دارد، به زندان بیاید و پیغام‌ها ده؛ دلش خوش می‌شود من را بالای چوبه دار ببیند. گفته اگر دادستان تهران بچه‌ام را برای سرپرستی به این زن تحویل بدهد، مجبور می‌شود این طفل معصوم را سرراه بگذارد. چرا مادر شوهرتان با شما رفتاری کینه‌توزانه داشت؟

مهتاب در جواب گفت: جناب قاضی این زن از روزی که با پیراهن عروس پا در خانه‌شان گذاشتم دشمنی‌هایش شدیدتر شد. مادر شوهرم بشدت مخالف ازدواج ما بود. قصد داشت دختر خواهرش را به عقد او در بیاورد.

رئیس دادگاه پرسید؟ آخرین شیی که شوهرتان زنده بود در خانه‌تان چه گذشت؟

آن شب برادر شوهرم، یعنی برادر ناتنی اش میهمان ما بود. این زن نامادری شوهرم بود و همیشه با همسر خدایارم‌زم دشمنی داشتند و می‌خواستند هرچه ثروت از پدر مرحوم همسرم باقی مانده از چنگ او در بیاورند.

رئیس: بسیار خوب پرسیدم آن شب چطور گذشت؟

مهتاب جواب داد: همان‌طور که عرض کردم مادر و پسر سر میراث به جا مانده با شوهرم اختلاف داشتند که تا نیمه شب با هم به جروبحث پرداختند، اما من به‌خاطر سردری که داشتم، رفته بودم بخوابم. صبح آن شب مثل همیشه بیدار شدم و صبحانه را حاضر کردم. بعد رفتم شوهرم را بیدار کنم، اما دیدم صورتش کبود شده و... مهتاب در این هنگام به گریه افتاد و با بغضی در گلو ادامه داد: با لب‌بهای کف کرده مرده بود جناب رئیس و...

ادامه دارد...

## متهم به سرقت

## در کمپ ترک اعتیاد مرد

**گروه حوادث/** با مرگ یکی از متهمان پرونده سرقت از خانه یک مادر و دختر رسیدگی به این ماجرا وارد مرحله تازه‌ای از تحقیقات شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده چند ماه پیش با شکایت مادر دو دختر جوانی که مدعی بودند چهار پسر جوان به قصد سرقت و تعرض وارد خانه‌شان شده بودند آغاز شد. شاکي در توضیح ماجرا به مأموران گفت: پس از بازگشت از میهمانی زنگ خانهمان به صدا در آمد با این تصور که یکی از همسایه‌هاست در را باز کردیم اما ناگهان چهار پسر جوان با قمه و چاقو وارد خانه‌مان شدند و ما را به تهدید به داخل اتاق بردند و از ما خواستند تا جای پول و طلاهایی که داریم را به آنها بگوییم. در یک لحظه به داخل راهرو دویدم و از همسایه‌ها کمک خواستم و مهاجمان هم پس از آنکه احساس خطر کردند چند وسیله برداشتند و فرار کردند.

پس از طرح این شکایت و بررسی صحنه، مأموران متوجه پراید مشکوکی شدند که جلوی خانه شاکي پارک شده بود و با استعلام پلاک آن مشخص شد که خودرو مربوط به پدر یکی از متهمان است و ساعتی بعد هم یکی از چهار پسر جوان شناسایی و دستگیر شد و در ادامه هم ۳ مهاجم دیگر بازداشت شدند.

در بازجویی از متهمان، آنها مدعی شدند قصدی برای سرقت نداشتند و به دعوت دختر خانواده برای میهمانی وارد خانه آنها شده بودند.

بدین ترتیب هر ۴ متهم با قرار وثیقه تا روز دادگاه آزاد شدند. تا اینکه مشخص شد یکی از آنها که نوجوانی زیر ۱۸ سال بود به‌دلیل اعتیادی که داشت از سوی پدرش در مرکز ترک اعتیاد بستری شده اما چند روز بعد خبر رسید که این نوجوان فوت کرده است.

به این ترتیب رسیدگی به این پرونده بدون حضور یکی از متهمان در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد و آنها باهم ادعاهای خود را مبنی بر حضور در خانه شاکي به‌دلیل میهمانی تکرار کردند که شاکي‌ها نسبت به این اظهارات اعتراض کردند. دختر جوان گفت: اگر ما خودمان اینها را دعوت کرده بودیم چرا باید از همسایه‌ها کمک می‌خواستیم چرا با قمه وارد خانه ما شدند. این حرف‌ها دروغ است و ما ادعای شرف داریم.

با توجه به مدارک به دست آمده دادگاه، ۳ متهم این بار بازداشت شدند و پرونده تحت بررسی بیشتر قرار گرفت.

# افشای راز قتل مرد مکانیک

# با اعترافات برادرزن

**گروه حوادث /** راز ناپدید شدن مکانیک جوان با دستگیری برادرزنش و اعتراف او به قتل، برملا شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر آذر زن جوانی به‌همراه مادرش به پلیس رفت و از ناپدید شدن همسرش خبر داد. زن جوان گفت: از مدتی قبل با همسرم هومن اختلاف پیدا کرده و بیشتر اوقات با هم دعوا داشتیم. تا اینکه حدود ۲ هفته قبل همسرم در حالی که مشروب خورده بود به خانه آمد. حال خوبی نداشت و باهم دعویامان شد. بعد هم به من گفت بهتر است مدتی از هم دور باشیم و بیشتر فکر کنیم. من هم قبول کردم و به خانه مادرم رفتم. او ادامه داد: در این مدت چند باری با همسرم تماس گرفتم اما جواب نداد. با این تصور که نمی‌خواهد فعلا با من صحبت کند، نگران نشدم. تا اینکه بعد از دو هفته به خانه برگشتم اما از همسرم خبری نبود. با او تماس گرفتم باز هم جواب نداد به خانواده‌اش زنگ زدم که آنها گفتند خبری از او ندارند. نگرانش هستم و نمی‌دانم چه اتفاقی برای او رخ داده است.

با شکایت زن جوان تحقیقات پلیسی برای یافتن مرد جوان آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول مکانیک

## رضایت به پدر

# بعد از قتل مادر

**گروه حوادث /** رسیدگی به پرونده مردی که همسرش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده بود، در حالی برگزار شد که فرزندان مقتول از قصاص پدرشان صرفنظر کردند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با گزارش قتل زن جوانی در منطقه فرحزاد تهران آغاز شد. مأموران پس از حضور در محل جنایت و بررسی صحنه قتل متوجه شدند که مقتول به نام سوسن پس از درگیری با همسرش اصغر ۳۶ ساله با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. به این ترتیب اصغر به اتهام قتل عمد بازداشت شد اما وی تلاش کرد تا قتل را به گردن یکی از دخترانش بیندازد اما در بازجویی‌های بعدی اصغر به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: من سوسن را کشتم چون به من خیانت کرده بود.

دختر مقتول که بزرگ‌ترین فرزند خانواده است به مأموران گفت: من و مادرم رابطه نزدیکی داشتیم. برادرم که دو سال از من کوچک‌تر است کار می‌کرد، پدر و مادرم هم کار می‌کردند، با این حال نمی‌توانستیم خرجی زندگی مان را تأمین کنیم چون پدرم اعتیاد داشت.

من در خانه از خواهر و برادر کوچک‌ترم مراقبت می‌کردم. مدتی بود که مادر و پدرم درگیری شدیدی داشتند، پدرم فکر می‌کرد مادرم با مردی در ارتباط است. چون می‌گفت می‌خواهد از پدرم جدا شود اما پدرم قبول نمی‌کرد. آنقدر این مسأله مهم شده بود که پدرم مدام مادرم را چک می‌کرد و با هر شماره تلفنی که در گوشی مادرم می‌دید قوری تماس می‌گرفت تا ببیند با کسی در ارتباط است یا نه.

من دقیقاً نمی‌دانم چه اتفاقی بین آنها افتاده بود، اما مادرم خیلی تلاش می‌کرد از پدرم جدا شود. روز حادثه هم سر این موضوع با هم درگیر شدند، من سعی کردم آنها را جدا کنم. وقتی پدرم به آشپزخانه رفت من فکر کردم دعوا تمام شده است. مادرم دراز کشیده بود که پدرم با چاقو به او حمله کرد و او را زد، آنقدر سریع این‌کار را کرد که ما نتوانستیم واکنش نشان دهیم.

پس از تکمیل تحقیقات و اعترافات صریح متهم، پرونده او به دادگاه کیفری استان تهران ارسال و متهم محاکمه شد. در

# مرد قاقاق فروش

## قربانی یک معتاد شد

**گروه حوادث/** مرد معتاد که با ضربه‌های چاقو فروشنده مواد مخدر را در فرحزاد به قتل رسانده بود در کمتر از ۵ ساعت شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح دیروز از بیمارستان مدرس تهران خبر رسید که مردی هدف ضربات چاقو قرار گرفته و به علت اصابت چاقو به ریه‌اش جان باخته است. بدین ترتیب تیمی از مأموران تجسس کلانتری ۱۶۳ ولنجک برای تحقیق به بیمارستان اعزام شدند. مأموران با دستور مقام قضایی تحقیقات پلیسی را برای ردیابی عاملان این جنایت آغاز کردند.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران در تشریح این خبر گفت: تحقیقات مأموران نشان از آن داشت که مقتول یکی از فروشندگان مواد مخدر در منطقه فرحزاد است و ساعت ۵ صبح دیروز بین او و یک مرد دیگر که مصرف کننده مواد مخدر است درگیری صورت گرفته و مقتول همراه چند نفر از دوستانش به‌خاطر اختلاف بر سر مواد مخدر به پاتوق قاتل رفته و در این درگیری احمد با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

بدین ترتیب مأموران موفق به شناسایی قاتل که مردی ۴۰ ساله

بوده و از حدود دو هفته قبل به محل کارش نیز نرفته است. در ادامه تحقیقات فرضیه‌های متعددی برای ناپدید شدن هومن مطرح شد تا اینکه مشخص شد زمانی که زن جوانی مدعی بود همسرش از او خواسته خانه را ترک کند، برادر زن هومن در آن اطراف دیده شده است. با این احتمال که سروش، برادر زن هومن در این ماجرا دست داشته باشد به دستور بازپرس جنایی مرد جوان بازداشت شد.

وی ابتدا مدعی بود که از سرنوشت هومن بی‌اطلاع است اما زمانی که با مدارک پلیسی مواجه شد به قتل اعتراف کرد و گفت: آن شب با هومن درگیر شدم و با شالی که دور گردنش پیچیدم او را خفه کردم. بعد از آن جسد را داخل خودرو گذاشته و از خانه‌شان در غرب تهران، راهی سلطان آباد شده و جنازه را در آنجا دفن کردم.

با اعتراف مرد جوان، تیمی ازکار آگاهان اداره آگاهی به‌همراه متهم راهی محلی شدند که او مدعی بود جسد را دفن کرده است، تا جنازه هومن پیدا شود. تحقیقات در رابطه با این پرونده ادامه دارد و احتمال دست داشتن افراد دیگری در این جنایت نیز مطرح است.



این جلسه دادگاه دو فرزند بزرگ خانواده گفتند: ما از پدرمان شکایتی نداریم و گذشت می‌کنیم.

در ادامه متهم به جایگاه رفت و گفت: من همسرم را نکشتم و فقط او را زدم، ممکن است بعد از آنکه از خانه خارج شدم دختر بزرگم او را به قتل رسانده باشد. سوسن به من خیانت می‌کرد و من سر این موضوع با او درگیری داشتم.

اما دختر مقتول نسبت به قتل مادرش اعلام بی‌گناهی کرد و دیگر فرزندان مقتول که در خانه بودند هم شهادت دادند که پدرشان عامل قتل مادرشان بوده است.

براساس اطلاعاتی که دادسرا ارائه داد، مقتول زمانی که ۱۱ ساله بوده ازدواج کرده و با شوهرش به تهران آمده و در منطقه فرحزاد ساکن شده است. این زوج ۶ فرزند داشتند.

این در حالی‌است که فرزندان کوچک مقتول نیز پس از قتل مادرشان به بهزیستی منتقل شده بودند. بعد از اینکه فرزندان بزرگ مقتول اعلام گذشت کردند، نماینده دادستان از سوی رئیس قوه قضائیه برای بچه‌های کوچک هم درخواست دیه کرد. به این ترتیب جلسه دوم رسیدگی تشکیل شد. متهم این‌بار اتهام قتل را قبول کرد و گفت: اتهامم را قبول دارم، من زنم را کشتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

با پایان جلسه دادگاه، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

# سارقان بازن وبچه

و سابقه دار است شدند و با توجه به آدرسی که از خانه او در سوابقش ارائه شده بود با نیابت قضایی به شهرستان ملارد رفته اما قاتل در خانه نبود و خانواده‌اش اعلام کردند که پسرشان را به‌خاطر اعتیاد از خانه طرد کرده‌اند و دیگر اطلاعی از او ندارند. این مقام پلیسی عنوان کرد: تیم‌های عملیاتی سرکلانتری یکم و تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۳ ولنجک به فرماندهی سرهنگ علی قاسمی رئیس کلانتری ولنجک جست‌وجوهای خود را در منطقه فرحزاد و در پاتوق‌هایی که احتمال می‌دادند قاتل در آنجا پنهان شده باشد آغاز کردند و موفق شدند قاتل را در یکی از پاتوق‌هایش شناسایی و آنجا را تحت محاصره در آوردند که در ادامه متهم و همدستش که در زمان درگیری مرگبار حضور داشت برابر پلیس مقاومت کردند اما مأموران با رعایت قانون به کارگیری سلاح اقدام به شلیک چند تیره‌وایی کرده و قاتل و همدستش را دستگیر کردند؛ در بازرسی از مخفیگاه متهم وسایل سرقتی کشف و در تحقیقات مشخص شد قاتل وسایل سرقتی را درازای خرید مواد مخدر به فروشندگان مواد مخدر می‌دهد و در بررسی‌های بیشتر چاقوبی که قاتل با آن دست به قتل زده بود نیز کشف شد.

قاتل در اعترافاتش گفت: مقتول از فروشندگان مواد مخدر بود و مدتی قبل مقداری مواد مخدر از او سرقت شده بود و دوستانش گفته بودند که من این مواد را از او سرقت کرده‌ام به همین خاطر مقتول همراه دوستانش با قمه و چوب به سراغ من آمده‌ند که درگیر شدیم و او کشته شد.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

ایران



# واژگونی کامیون

## بعد از سکنه راننده

**گروه حوادث /**

سکنه راننده کامیون

پشت فرمان باعث

واژگونی خودروو

ترافیک در بزرگراه

آزادگان شد.

امدادسانی شدند. در جریان این عملیات مشخص شد راننده حین رانندگی دچار حمله قلبی شده و جان باخته بود.

رئیس اداره تصادفات پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ با بیان اینکه علت قطعی مرگ راننده را پزشکی قانونی بررسی و اعلام خواهد کرد، اظهارکرد: مأموران پلیس در انجام بررسی‌های خود متوجه شدند که حود یک کیلومتر قبل از محل واژگونی کامیون مأموران پلیس اقدام به کنترل مدارک راننده کرده و او مشکلی برای تردد یا نقص در گواهینامه و مدارک نداشت و خستگی و خواب‌آلودگی نیز در او مشاهده نشده بود.

سرهنگ احسان مؤمنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ در تشریح این حادثه گفت: ساعت ۷:۳۵ صبح چهارشنبه یک کامیون حامل آرد در حال حرکت در مسیر جنوب به شمال بزرگراه آزادگان بود که در محدوده میدان فتح از مسیر خود منحرف شده و پس از برخورد با گاردریل‌ها واژگون و در حاشیه مسیر متوقف شد.

وی با بیان اینکه دهه‌ها کیسه آرد در مسیر پخش شده بود، گفت: بلافاصله مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی در محل حاضر شده و اقدام به روان‌سازی و مدیریت ترافیک کرده و عوامل امدادی نیز مشغول

## شکایت از پزشک به خاطر

## مرگ گوینده ۱۵ ساله رادیو

مادر این دختر می‌گوید: دخترم حدود دو هفته قرص‌ها را مصرف کرد، اوایل دی یک روز صبح هنگام بیدارشدن از خواب، قدری خون داخل دهانش بود و من عشتش را نمی‌دانستم. وی افزود: من اداره بودم که به من گفتند فرزندم خون بالا آورده، بعداًظهر آن روز آنقدر دخترم خون بالا آورده بود که به کم رفت، ضرب هوشیاری او

پایین آمد و دیگر به هوش نیامد.

مادر این دختر ۱۵ ساله گفت: به همین راحتی به خاطر یک اشتباه فرزندم را از دست دادم و دیگر صدای نازنین او را نمی‌شنوم، خیلی سخت است که قبول کنم دیگر او را

نمی‌بینم. وی با بیان اینکه همسرم از آن دکتر شکایت کرد و معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی در اینجا نیز گفتند که در حال پیگیری پرونده هستیم، گفت: در بیمارستان اصلاً باورشان نمی‌شد که کبد دخترم آنقدر آسیب دیده و به گفته خودشان متلاشی شده است، می‌گفتند این دختر چه چیزی مصرف کرده؟ گمان می‌کردند بدون اطلاع من قرص مصرف کرده اما به آنها توضیح دادم که به غیر از آن دو قرص هیچ دارویی مصرف نکرده و وقتی آن قرص‌ها را به دکترها نشان دادم، چند دکتر تأیید کردند که این قرص‌ها به دخترم صدمه زده است، دکترها گفتند باید حتماً چند آزمایش دقیق از کبد دخترم گرفته و سپس این قرص‌ها تجویز می‌شد.

**گروه حوادث/** همزمان با مرگ گوینده ۱۵ ساله رادیو زاهدان، خانواده وی از پزشک معالج او شکایت کردند. آیناز امید که گوینده برنامه کودک رادیو زاهدان بود چند هفته قبل برای درمان جوش‌های صورتش به یک پزشک متخصص پوست مراجعه کرد اما پس از مصرف داروها به‌دلیل از بین رفتن کبدش جان باخت.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، مادر این دختر با بیان اینکه از پزشک معالج وی شکایت کرده‌اند، گفت: دخترم از چهار پنج سالگی در برنامه کودک همراه با

خودم در رادیو اجرا می‌کرد و صدای وی برای کودکان استان سیستان و بلوچستان

بسیار آشنا بود، دخترم در

سنین بالاتر نیز برنامه نوجوان را به مدت چهار سال اجرا می‌کرد.

وی با بیان اینکه دخترم هیچ بیماری‌ای نداشت و فقط از مدتی قبل پوستش جوش می‌زد، گفت: دخترم را نزد دکتر پوست بردیم، آیناز با خواهرش نزد دکتر رفته بود، خواهر آیناز از دکتر خواسته بود که برای خواهرش آزمایش کبد بنویسد اما دکتر گفته بود «شما دکتر هستید یا من؟ من خودم بهتر می‌دانم و این دو مقوله با هم فرق می‌کند». مادر آیناز افزود: دکتر برای دخترم قرص «بردنیزولون» و یک قرص دیگر را تجویز کرد و هر دو قرص دارای «کورتون» بود، ما نمی‌دانستیم کبد آیناز ضعیف بوده و برای کسی که کبدش ضعیف است، این قرص‌ها «سم» محسوب می‌شود.



## سرت دوچرخه بازن وبچه

شوند و فردی نیز به آنها شک نمی‌کرد؛ در نهایت هویت این افراد و مخفیگاه آنها شناسایی شد و با هماهنگی مقام قضایی مأموران پس از ورود به مخفیگاه متهمان، موفق به بازداشت زن جوان شدند اما مرد سارق از طبقه سوم به پایین پرید و موفق به فرار شد اما دوباره مخفیگاه وی در محدوده میدان شوش شناسایی و این فرد با دستور مقام قضایی بازداشت شد.

ایدون با بیان اینکه تاکنون هفت نفر

کرده‌اند، بیان کرد: مرد سارق ۱۰ فقره سابقه سرقت در پرونده خود دارد.

رئیس کلانتری ۱۱۲ ابوسعید با بیان اینکه پرونده این متهمان در دادسرای ناحیه ۳۴ درحال رسیدگی است، گفت: این زن و مرد باید بگر نسبتی نداشتند و فقط در سرقت‌ها همکاری می‌کردند.